

## عنوان مقاله: پیامدهای تساوی نقش‌های اجتماعی زنان و مردان

### چکیده

در اواخر قرن نوزدهم میلادی جنبشی با عنوان فمینیسم، با شعار طرفداری از حقوق زنان و اثبات برابری جنسیتی پدید آمد تا به‌ظاهر موجب برون‌رفت از وضعیت فرودستی زنان در طول تاریخ و دستیابی به موقعیت برتر او شود؛ هدف موردنظر فمینیست‌ها آن است که باید جامعه‌ای به وجود آورد که در آن تفاوت‌گذاری بر اساس جنسیت جای خود را به تشابه و همسانی زن و مرد در تمام فرصت‌ها و نقش‌های اجتماعی بدهد. جریان‌های فکری مختلف تا امروز از منظر خاص خود به حوزه حقوق زنان به‌ویژه اشتغال آنان ورود کرده‌اند. گروهی نسبت به تساوی حقوق و نقش‌های اجتماعی زنان و مردان رویکرد مثبت دارند و برخی با در نظر گرفتن تفاوت‌های جسمی و روانی زنان و مردان به پیامدهای منفی تساوی حقوق آنان پرداخته‌اند؛ تغییر نقش زنان در خانواده و جامعه و تزریق آنان به بازار کار بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های زنانه و تفاوت‌های فطری و طبیعی آن‌ها با مردان یکی از مهم‌ترین تحولات جنبش فمینیسم بوده است. در مقاله حاضر که به روش توصیفی تحلیلی است تلاش شده تا ضمن مرور پژوهش‌های علمی انجام گرفته در این زمینه، آسیب‌ها و پیامدهای منفی تساوی حقوق و نقش‌های اجتماعی زنان و مردان همچون تضعیف نقش زنانگی، فشار مضاعف بر زنان، افزایش تعامل زن و مرد در محل کار، سست شدن بنیان خانواده و آسیب‌های جبران‌ناپذیر به فرزندان را مورد بحث و بررسی قرار دهد و در پایان با توجه به نتایج آخرین پژوهش‌های علمی در این زمینه و تطبیق آن با آموزه‌های دین اسلام، راهکارهایی برای پیشگیری و یا کاهش آسیب‌های اشتغال زنان از جمله حفظ حریم شخصی، رعایت عفاف و حجاب، تفکیک محیط‌های کاری و پرهیز از اختلاط با مردان مطرح شده که رعایت این موارد علاوه بر حفظ سلامت جامعه و تحکیم بنیان خانواده، موجب حفظ حرمت و علو مقام زن و آمادگی زنان برای دریافت هدایت و الهام الهی می‌شود.

واژگان کلیدی: فمینیسم، اشتغال زنان، تساوی حقوق، برابری جنسیتی

### مقدمه

تساوی حقوق زنان و مردان از جهت کرامت ذاتی و حقوق انسانی امری بدیهی است؛ اما با در نظر گرفتن ساختار جسمانی و روانی آن‌ها، تساوی در سایر نقش‌های اجتماعی پیامدهایی را به‌دنبال خواهد داشت. در نهضت فمینیسم که با شعار طرفداری از حقوق زنان صورت گرفت سعی می‌شود برای زن و مرد بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های غریزی و طبیعی آن‌ها حقوق و وظایف مشابهی در نظر بگیرند. آنچه اکنون در میان طرفداران این گروه مطرح است مسئله وحدت و تشابه حقوق و نقش‌های اجتماعی زن و مرد است نه تساوی عادلانه حقوق آن‌ها؛ از اساسی‌ترین پیامدهای جنبش فمینیسم، تضعیف نقش زنانگی، دگرگونی در ساختار خانواده و سوق دادن زنان به مشاغل عمومی بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های طبیعی آن‌ها با مردان بوده است. در نهضت فمینیسم زن کم‌وبیش حقوق و نقشی مشابه با مرد پیدا کرد؛ اما با توجه به ویژگی‌های طبیعی و احتیاجات جسمی و روحی زن، هرگز حقوق مساوی با مرد پیدا نکرد، زیرا زن اگر بخواهد حقوقی مساوی حقوق مرد و سعادت‌ی مساوی سعادت مرد پیدا کند تنها راه این است که برای مرد حقوقی متناسب با مرد و برای زن حقوقی متناسب با خودش قائل شود؛ و این موضوع ربطی به گذر زمان و متمدن شدن جوامع ندارد. روشن است که قوانین عصر برق و هواپیما و فضانوردی

نمی‌تواند همان قوانین دوران چراغ نفتی و اسب و قاطر باشد و یقیناً در قرون اخیر باید پاسخ مسائل جدید داده شود، ولی هیچ ضرورتی ایجاب نمی‌کند که مسائل حقوقی از قبیل حقوق والدین و فرزندان و حقوقی که زن بر مرد و مرد بر همسر خویش دارد به کلی دگرگون شود. چندین هزار سال است که خیانت و ظلم نازیبا بوده و جوانمردی، عدالت و وفا به‌عنوان مبانی و اصول اخلاقی پذیرفته شده و گرد کهنگی بر قامت زیبایی آن ننشسته است. این موضوع دربارهٔ حقوق زنان نیز صادق است؛ چنان‌که هزار سال پیش باید کرامت زن حفظ می‌شده، زن متمدن امروزی نیز باید کرامتش حفظ شود؛ شأن زن زن بودن و شأن مرد مرد بودن است و هرکدام در هر برهه‌ای از تاریخ که باشند باید مطابق شأن و طبیعت خویش عمل کنند، زن باید ظرافت زنانه و مرد باید حالات مردانه داشته باشد و در غیر این صورت خلاف طبیعت خود عمل کرده و به کمال لایق نوعی خود نخواهند رسید. بنابراین نمی‌توان یک نوع تعلیم و تربیت، یک نوع توانائی و مسئولیت و یک نوع کار و فعالیت برای آنان قائل شد. طبق بیان قرآن زن و مرد از نظر مقام انسانی و بهره‌های روحانی با هم برابرند؛ اما بر اساس حکمت خصوصیات جسمی و روانی آن‌ها متفاوت است و همین امر ایجاب می‌کند در بسیاری از حقوق و وظایف وضعیت مشابهی نداشته باشند تا صفات زنانه زن و حالات مردانه مرد به‌دست فراموشی سپرده نشود و حقوق انسانی آن‌ها پایمال نگردد. در این صورت است که هریک از زن و مرد می‌توانند با ایفای رسالت و نقش اصلی خویش بالاترین اثربخشی را در عالم داشته باشند.

نکتهٔ حائز اهمیت این است که تفاوت‌های زیستی زنان و مردان صرفاً یک مسئلهٔ مذهبی نیست، بلکه بحثی اجتماعی و علمی است و دنیای دانش بر این امر تأکید دارد. طبق گزارش پزشکان، فیزیولوژیست‌ها و زیست‌شناسان، میان زنان و مردان در ابعاد جسمانی و روانی تفاوت‌های بنیادین وجود دارد نه اینکه تفاوت‌ها صرفاً مربوط به عوامل تربیتی، فرهنگی و شرایط اجتماعی باشد که فمینیست‌ها خواستار تساوی حقوق آن‌ها شده‌اند.

در قرن حاضر گسترش تفکرات فمینیستی و ترویج برابری زن و مرد موجب تحریک زنان و سوق دادن آن‌ها به انجام کارهای مردانه در عرصهٔ اجتماع شده است. با توجه به تغییر و تحول به وجود آمده در نقش زنان و گرایش آن‌ها به اشتغال در بیرون از منزل، بنیان خانواده و جامعه با چالش‌های مختلفی روبه‌رو شده است. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که هرچند اشتغال زنان می‌تواند موجب استقلال مالی، بالارفتن اعتمادبه‌نفس و منزلت اجتماعی باشد، اما همین اشتغال بسته به ویژگی‌های روان‌شناختی زنان، شرایط و بافت کشور و ترکیب جنسیتی محل کار می‌تواند موجب پیامدهای منفی غیرقابل‌انکاری باشد. نکتهٔ دیگر اینکه طبق آخرین پژوهش‌ها اشتغال زنان در شرایط نامناسب رابطهٔ معناداری با افزایش میزان طلاق و گسیختگی نهاد خانواده دارد؛ و اثرهای زیان‌بار آن شامل حال کودکی می‌شود که خمیرمایهٔ شخصیت او، به‌خصوص در سال‌های اولیهٔ زندگی، در کانون خانواده و در سایهٔ تعامل مطلوب با والدین به‌ویژه مادر شکل می‌گیرد. بدون هیچ‌گونه تردید اگر بخواهیم جهان سالم و صالحی داشته باشیم، پیش از آنکه به سراغ معلم و جامعه برویم، باید آرامش، پاکدامنی و عفت مادران را دریابیم؛ که یا نباید مسئولیت مادرشدن را بپذیرند یا با قرار دادن خود در شرایط نامناسب به‌دلایل مختلف از جمله پیشبرد مقاصد اقتصادی، نباید موجب ضربه‌های جسمی و روانی به طفل شوند. از سوی دیگر، نقض حریم شخصی میان زنان و مردان و عادی شدن روابط آن‌ها در یک جامعه به‌عنوان یک آسیب جدی اجتماعی است که نهاد خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در این نوشتار سعی بر این است که فارغ از پیش‌داوری، با تکیه بر دیدگاه‌های استاد سیدعلی موسوی (ره)، پس از بررسی تفاوت‌های زیستی زنان و مردان به پیامدهای مثبت و منفی مشارکت‌های اجتماعی زنان بپردازیم تا بتوانیم با ارائهٔ راهکارهای علمی قدمی مؤثر در جهت اشتغال امن زنان و کاهش آسیب‌ها و پیامدهای منفی آن برداریم. نخست ارزش و جایگاه و منزلت زن در طول تاریخ و در آئینهٔ ادیان الهی را به‌طور اجمال مورد بررسی قرار داده و سپس به نقد و تحلیل پیامدهای حاصل از تساوی نقش‌های اجتماعی زنان و مردان می‌پردازیم.